

## سیمای احمد شاه قاجار

بعد از گذشت نیم قرن

- ۱۱ -

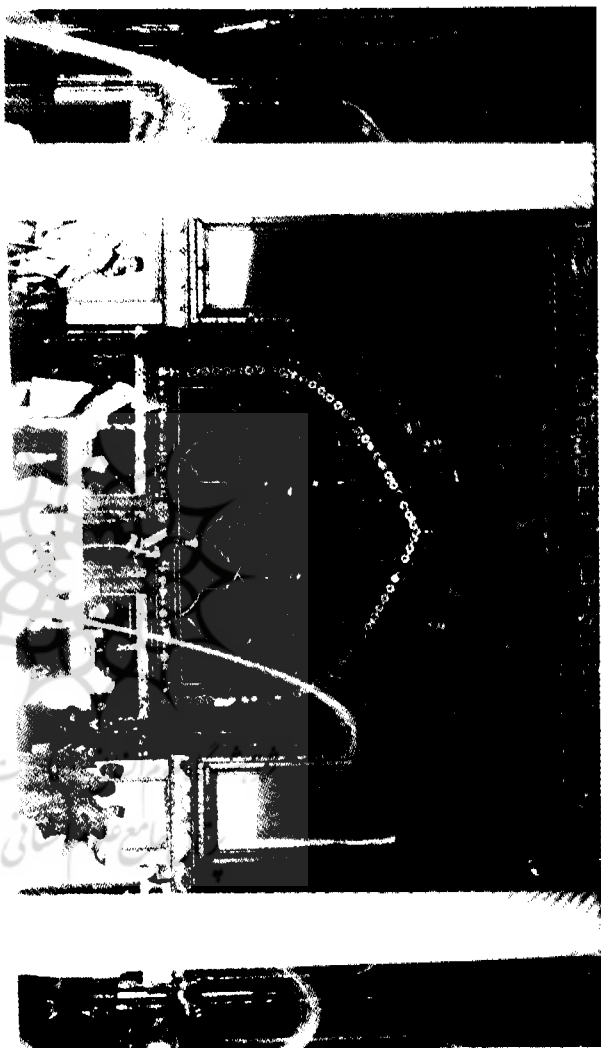
چنان که می بینیم لرد کرزن بن بست سیاسی ایران را به عمد طوری جلو می دهد که گویی جزاین سه راه پیشنهادی وی ، هیچ راه حل دیگری برای اصلاح وضع آشفته ایران وجود ندارد. اما نویسنده شرح حال سرپرسی کاکس، که شخص با انصافی است پس از ذکر راه های سه گانه اضافه می کند که در آن تاریخ نه لرد کرزن و نه مشاوران سیاسی وی هیچ کدام از راه حلی دیگر - راه حل چهارم - که سرانجام مورد قبول ایرانیان قرار گرفت خبر نداشتند و هیچ پیش بینی نمی کردند که در آتیه ممکن است ایرانی مستقل و ملی، تحت حکومت یک پادشاه مقتدر نظامی به وجود آید و اوضاع آشفته کشور را بدست ایرانیان اصلاح کند :

« .... این راه حل چهارم البته با بودن پادشاهی حسود و ضعیف النفس چون احمد شاه که نه خود استعداد نجات دادن ایران را داشت و نه می گذاشت از او لایقترها پیش قدم شوند و این کار را بکنند، امکان پذیر نبود. ولی اراده تاریخ سر باز توانائی را که رسالتش ساختن ایرانی مستقل و نیرومند بود کم کم به حریم تاج و تخت نزدیک می کرد ... » (۱)

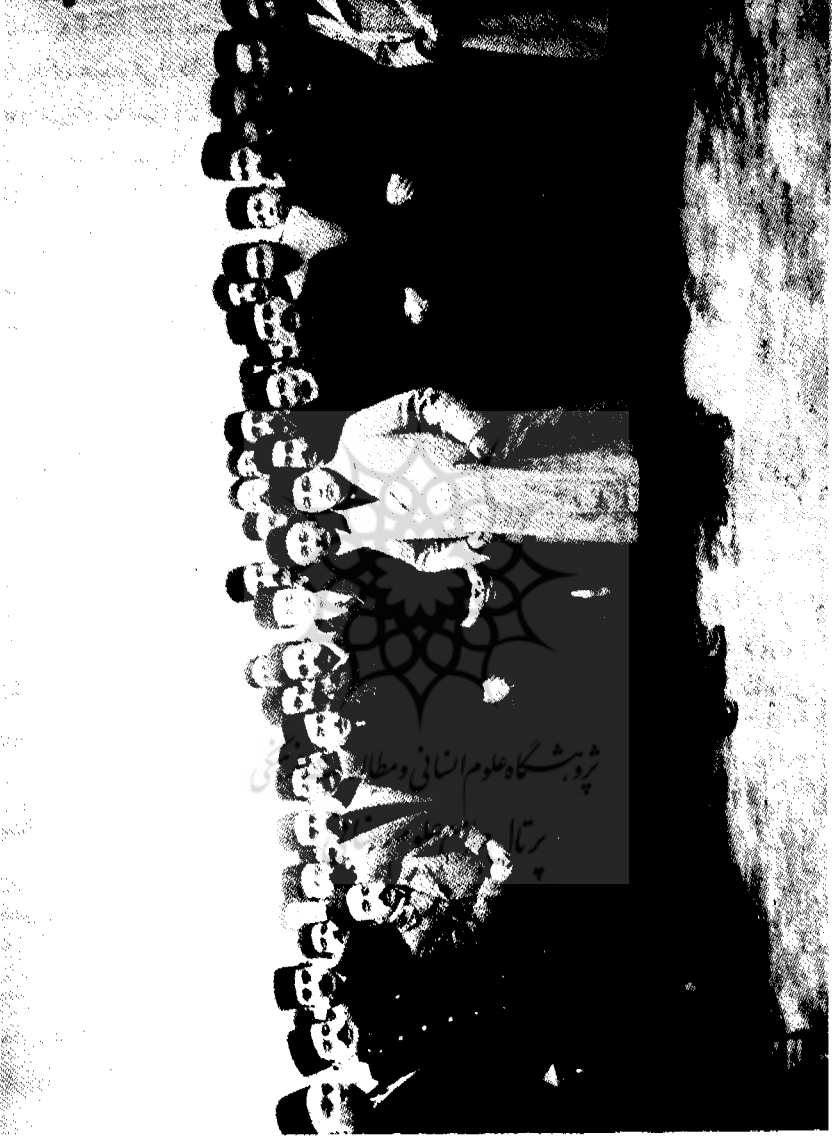
مفتاح السلطنه نتیجه مصاحبه خود را با کرزن فوراً به تهران گزارش داد و پیشنهاد سوم ، چنان که خواهیم دید ، پایه عمل قرار گرفت . مع الوصف ، وادار کردن و ثوق الدوله و شرکای وی ( نصرت الدوله و صارم الدوله ) به قبول این پیشنهاد با مشکلاتی توأم بود زیرا وزرای سه گانه از سرنوشت آتی خود بیمناک بودند و می ترسیدند که پیش از تصویب شدن قرارداد ، انقلابی در ایران رخ دهد و زمام حکومت بدست ملیون افراطی بیفتد. برای این سه نفر جای تردید باقی نبود که از دست چنین حکومتی رهائی نخواهند داشت. از این جهت برای تأمین آتیه خود دو امتیاز اساسی از دولت بریتانیا می خواستند :

۱- تضمین نامه کتبی از طرف دولت بریتانیا که اگر در نتیجه بسته شدن قرارداد ، شورش در ایران برپا خاست و حکومت و ثوق الدوله سقوط کرد دولت انگلستان هر سه این وزرای سابق را در یکی از مستملکات خود به عنوان پناهنده سیاسی جا بدهد.

۲- به هر کدام از این پناهندگان سیاسی، در طول مدت تبعید ، حقوقی برابر عایدات شخصی آنها در ایران پرداخت شود تا بتوانند بقیه عمر را در رفاه و بی نیازی بسر برند . از آن طرف ، احمد شاه نیز برای همکاری با انگلیسی ها در بستن این قرارداد، طالب



مراسم روز سلام احمد شاه قاجار



احمد شاه جمعی از رجال دریار قاجار

دوقول اساسی بود : یکی این که مقرری ویژه وی حتی پس از عقد قرارداد نیز ادامه یابد. دیگر این که دولت انگلستان سلطنت وی و اعقابش را در ایران تضمین بکند (۱). لرد کرزن و سرپرسی کاکس هیچ کدام حاضر نشدند تقاضای شاه و وزرای وی را به طور درستی قبول کنند. به احمد شاه محترمانه جواب داده شد که اصلاح وضع اقتصادی و مالی ایران که از هدفهای عمده قرارداد است ، به همان نسبت که درآمد عمومی مملکت را بالا می برد عواید خصوصی او را نیز از املاک و مستغلات و سیمش بالا خواهد برد و بنابراین ادامه پرداخت مقرری معهود پس از بسته شدن قرارداد ممکن نیست . مسئله تضمین سلطنت قاجاریان نیز بکلی مسکوت گذاشته شد. در مورد درخواست وزرای سه گانه ، يك قسمت از این درخواست ( دایر به اعطاء حق پناهندگی ) قبول و تضمین نامه رسمی به نام هر کدام از آنها صادر گردید (۲) . نسبت به تقاضای دیگرشان که در عرض دوران پناهندگی مواجیبی معادل درآمد املاکشان در تهران یا اصفهان دریافت کنند ، جواب صریح رد داده شد (۳) .

### امضای قرارداد ۱۹۱۹

هر آنکه افسر همت نهاد بر سر خویش  
 بدست کس ندهد اختیار کشور خویش  
 بگو به سفله که در دست اجنبی ننهد  
 کسی که نان پدر خورده ، دست مادر خویش  
 ملك الشعراء بهار

در روز نهم اوت ۱۹۱۹ قرارداد ایران و انگلیس ( مشهور به قرارداد وثوق الدوله ) در تهران میان سرپرسی کاکس و میرزا حسن خان وثوق ( وثوق الدوله ) امضاء گردید (۴) . این قرارداد شامل دو بخش مجزا است که هر کدام علی حده امضا شده است .

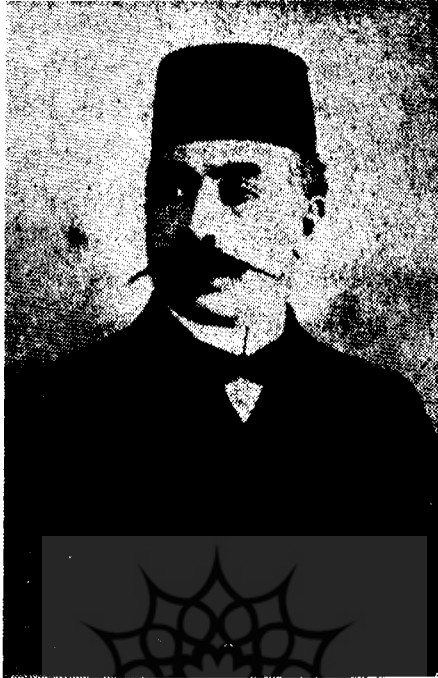
۱- اصرار احمد شاه روی قسمت اخیر ، به حقیقت کوششی بود برای احیاء ماده ۷ عهدنامه ترکمن چای به کمک بریتانیا .

طبق این ماده ، حکومت تزاری روسیه سلطنت عباس میرزا و اعقاب او را در ایران تضمین کرده و متعهد شده بود که حافظ سلطنت قاجاریان در ایران باشد و در صورت لزوم به نفع آنها مداخله نظامی بکند. اما اکنون که خود حکومت تزاری به دست بالشویک ها نابود شده بود و احتمال این که رژیم جدید روسیه ماده هفت عهدنامه ترکمن چای را محترم بشمارد عقلا و عملاً منتفی بود ، احمد شاه می کوشید که بریتانیا را حامی جدید سلسله خود قرار دهد و عین آن تعهدی را که روسیه تزاری در این مورد قبول کرده بود به گردن انگلیسی ها بیندازد.

۲- برای متن عبرت انگیز این تضمین نامه ها ، بنگرید به مجموعه اسناد سیاسی بریتانیا ( ۱۹۳۹ - ۱۹۱۹ ) - سری اول - جلد چهارم .

۳- بنگرید به شرح حال سرپرسی کاکس - صفحات ۲۵۵ - ۲۵۴ .

۴- روز بعد از امضاء قرارداد ، احمد شاه سفراول خود را به فرنگستان ( از راه عثمانی ) آغاز کرد .



میرزا حسن خان وثوق ( وثوق الدوله )  
امضا کننده قرارداد ۱۹۱۹

قرارداد نخست که عنوان رسمی آن «قرارداد نظامی و سیاسی میان ایران و انگلستان» است دارای يك ديپاچه و شش ماده است. متن ماده اول قرارداد چنین است :  
«دولت بریتانیای کبیر به صریح ترین بیانی که ممکن است قولي را که در گذشته مکرراً و متواتراً به دولت ایران داده است مجدداً در ضمن این قرارداد تأیید می کند و به عهده می گیرد که استقلال و تمامیت ارضی ایران را محترم بشمارد .»

در ضمن مواد دوم و سوم و چهارم قرارداد، موضوع استخدام مستشاران مالی و نظامی از انگلستان و نحوه اعطای اعتبارات موقتی به حکومت ایران برای اداره امور دارائی و آرتش کشور قید گردیده است. دولت وثوق الدوله ، ضمن يك تفاهم خارج از متن قرارداد ، اعطای اختیارات تام به این مستشاران را تأیید و قبول کرده بود .

←  
مرحوم میرزا محمد خان قزوینی که در این تاریخ در آلمان ( برلین ) بسر می برد و مقداری یادداشت های مختصر و مفید از حوادث مهم ایران و اروپا مربوط به همین سالها تنظیم و جمع آوری کرده است در ذیل اخبار روز نهم اوت ۱۹۱۹ چنین می نویسد : «...امضای معاهده انگلیس و ایران امروز که به مقتضای آن ایران تقریباً در تحت حمایت انگلیس درآمد است. لمن الله من امضاها و من اعان علی اتمامها .»

بنگرید به یادداشت های قزوینی - جلد نهم ( به کوشش ایرج افشار )

اداره آرتش نوین ایران که قرار بود از ادغام چهار نیروی مستقل نظامی آن روز ( اسپبار - ژاندرمری - قزاق - بریگاد مرکزی ) به وجود آید تحت فرمان يك افسر عالی رتبه انگلیسی که عملاً فرماندهی کل قوای ایران را داشت قرارمی گرفت و برای تصدی این مقام حساس ژنرال دیکسن رئیس مسیون نظامی بریتانیا در تهران در نظر گرفته شده بود. در اجرای مواد مالی قرارداد ، اختیارات مربوط به جمع آوری عایدات ، تنظیم بودجه ، و تعیین اقلام هزینه کشور ، جملگی به مستشاران مالی انگلیسی که يكمدیر تام الاختیار انگلیسی بر آنها ریاست داشت تفویض می شد و شخصی که برای این منظور انتخاب و به ایران آورده شده بود آرمیتاژ اسمیث دانشمند و کارشناس اقتصادی انگلیسی بود .

وزیران جنگ و دارائی ایران هر دو می بایست تابع اوامر مستشاران نظامی و مالی بریتانیا باشند و از آنها دستور بگیرند . در سایر وزارتخانه ها هم قرار بود مستشاران تام الاختیار خارجی ( که وزراء ایرانی فقط مجری اوامر آنها بودند ) به کار گمارده شوند. این مستشاران خارجی ممکن بود انگلیسی یا غیر انگلیسی باشند ولی امور نظامی و مالی و پولی ایران مطلقاً می بایست تحت نظر مستشاران تام الاختیار انگلیسی قرار گیرد.

در تحت مواد پنجم و ششم قرارداد ، انگلیسی ها موافقت کرده بودند که دولت ایران را در احداث خطوط و شبکه راه آهن ( با سرمایه گذاری مشترك دولتين ) یاری دهند و يك کمسیون مشترك از کارشناسان بلافاصله پس از امضای قرارداد برای تجدید نظر در مقررات گمرکی ایران ، به نحوی که منافع مشروع ایران را تأمین کند ، به وجود آید.

## قرارداد وام

قرارداد دوم ( مشهور به قرارداد وام ) که هم زمان با قرارداد اصلی در روزنهم اوت ۱۹۱۹ امضا شد ، دارای چهار ماده بود.

به موجب ماده اول این قرارداد ، دولت بریتانیا متعهد می شد که به محض امضا شدن قرارداد ، مبلغ دومیلیون لیره استرلینگ (معادل شش میلیون تومان به پول آن زمان) در اختیار دولت ایران بگذارد ولی قسط های مختلف این وام ، و تاریخ پرداخت هر کدام از آنها به خزانه ایران ، جملگی می بایست بانظر خزانه دار کل (مستشار اعظم انگلیسی) تعیین گردد. به موجب ماده ۲ قرارداد مالی ، دولت ایران متعهد می شد که بهره این وام را ( از قرار ۷٪ در سال ) ماه به ماه مرتباً به دولت انگلستان بپردازد .

در عرض بیست ماه اول پس از تصویب قرارداد ، یعنی تا بیستم مارس ۱۹۲۱ ، دولت ایران فقط به پرداخت بهره وام مکلف بود ولی از آن به بعد می بایست اصل و فرع وام را در مدت بیست سال ( یعنی تا بیستم مارس ۱۹۴۱ ) استهلاك کند . کلیه عواید گمرکات ایران که در مقابل وام سابق اخذ شده از دولت بریتانیا ( بر اساس قرارداد مورخ هشتم مه ۱۹۱۱ ) در گرو آن دولت بود از تاریخ امضای قرارداد جدید ، با تمام شرایط ذکر شده در قرارداد سابق ، مجدداً به عنوان وثیقه وام در اختیار بریتانیا قرار می گرفت تا برای استهلاك بقیه

وام قدیم و پرداخت اصل و فرع وام جدید ، بکار رود .

### ضمائم قرارداد

پیوست‌های رسمی قرارداد ۱۹۱۹ عبارت از دو فقره نامه هستند که سرپرسی کاکس به دولت ایران نوشته است .

نامه اول ، بریتانیا را متعهد می‌سازد که ، به شرط تصویب شدن قرارداد ، در مواد عهدنامه‌ها و توافق‌های مربوط به پرداخت غرامات و اصلاح خطوط مرزی که سابقاً میان ایران و انگلستان منعقد گردیده است تجدید نظر و آن مواد را ، هر آنجا که زمینه و دلیل موجه موجود باشد ، به نفع ایران اصلاح کند . در نامه دوم توافق شده است که حکومت انگلستان از بابت مخارج قوائی که برای حفظ بی‌طرفی ایران در زمان جنگ در این کشور نگاهداشته بوده است ( اسپیار -- نورپرفورث -- نیروی خراسان ، وغیره ) مدعی هیچ گونه طلبی از دولت ایران نباشد و دولت ایران نیز متقابلاً از ادعای هر گونه خسارت از انگلستان که ممکن است در نتیجه حضور این قوا در خاک ایران ایجاد شده باشد ، صرف‌نظر کند .



موقعی که سرپرسی کاکس امضای قرارداد را به لندن گزارش داد لرد کرزن فوق‌العاده مشعوف و خوشحال شد و در ضمن تلگرافی از کامیابی سرپرسی کاکس برای بستن این قرارداد « .... که مذاکرات مربوط به آن را با یک چنین شایستگی انجام داده‌اید... » تقدیر کرد و عقد قرارداد را صمیمانه به وی تبریک گفت . مطبوعات بریتانیا نیز در ابراز این خرسندی با لرد کرزن شریک بودند ولی تفسیراتی که در مطبوعات فرانسه و آمریکا راجع به قرارداد شد آشکارا خصومت‌آمیز بود.

وزیرمختار فرانسه در تهران موقعی که خبر امضای قرارداد را شنید به قول یکی از نویسندگان انگلیسی از فرط خشم و حیرت « مثل دیوانه‌ها شده برو » در حالی که وزیرمختار آمریکا از این هم فراتر رفت و بی‌توجه به اصول و تشریفات دیپلماسی که ایجاب می‌کرد اقدام مورد نظر سفیر قبلاً به اطلاع دولت ذینفع برسد ، اعلامیه‌ای صادر و نسخه‌های آن را میان مطبوعات تهران پخش کرد. در ضمن این اعلامیه ، وزیرمختار آمریکا در تهران این اتهام رایج را که دولت متبوع وی حاضر نشده است در کنفرانس صلح ورسای به نمایندگان ایران کمک کند تکذیب کرد و گفت که علت عدم مساعدت آمریکا در درجه اول این بود که خود هیئت نمایندگی ایران در کنفرانس ، از طرف دولت متبوعش تقویت نمی‌شد و درثانی از این جهت که در همان موقع که نمایندگان ایران می‌کوشیدند برای جلب اعتبار و مستشار ازدول معظم بی‌طرف با نمایندگان این دولت‌ها تماس برقرار کنند ، مذاکرات مستقیم میان ایران و انگلیس برای بستن همین پیمان در جریان بود. سنا توره‌های آمریکائی در بار از عقیده خود راجع به قرارداد و ثوق الدوله فوق‌العاده صریح و بی‌ملاحظه بودند و آن را آشکارا به منزله سند فروش ایران به بریتانیا تلقی می‌کردند. محافل اقتصادی و نفتی آمریکا نیز از این که انگلیسی‌ها به چنین موفقیت عظیمی نایل شده و تمام منابع مکشوف و نامکشوف نفت ایران

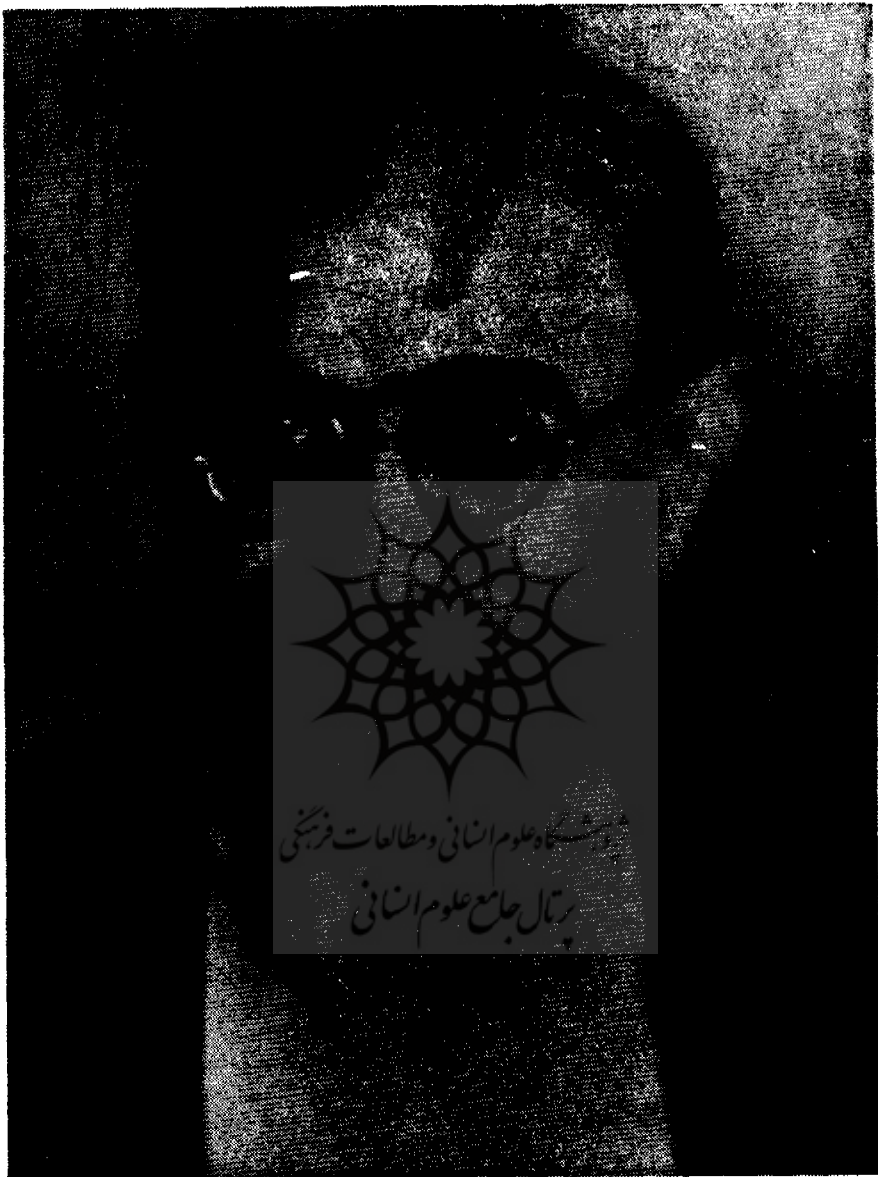
را از آن خود کرده اند ناراضی بودند و کامیابی محیلانه آن‌ها را در تهران به چشم غبطه و غضب می‌نگریستند .

اعلامیه سفارت آمریکا در تهران ، به عکس آنچه مطبوعات بریتانیا بعداً انتشار دادند ، زبان حال يك رقیب شکست خورده نبود بلکه محتوی مقدار زیادی حقایق غیر قابل انکار بود . دولت آمریکا کاملاً آماده بود برای اصلاح وضع داخلی ایران پیشقدم شود و پول و مستشار در اختیار ایرانیان بگذارد. تنها عاملی که کارها را بفرنج و پیچیده می‌کرد سیاست دوپهلوی بازی کردن خود و ثوق‌الدوله بود که نمی‌خواست از منافع بریتانیا ( به نفع مصالح کشورش ) صرف‌نظر کند .

هیئت نمایندگی ایران به ریاست علیقلی‌خان انصاری (مشاورالمالك) به ورسای رفته بود تا برای اصلاح وضع آشفته ایران که معلول اشغال نظامی کشور به وسیله نیروهای متخاصم و مداخلات بیرویه خارجیان در امور داخلی ایران بود پول و مستشار و افسر خارجی تأمین کند و جزئیات برنامه این هیئت پیش از اینکه اعضای آن تهران را ترك کنند در جلسه ویژه‌ای با حضور خود نخست‌وزیر (و ثوق‌الدوله) تعیین و روشن شده بود. مرحوم ذكاء‌المالك فروغی ( از اعضاء برجسته این هیئت) در نامه‌ای که در آن تاریخ از پاریس برای حکیم‌المالك فرستاده وضع دشوار هیئت نمایندگی ایران را در کنفرانس ورسای شرح می‌دهد :

... در تهران در جلسه هیئت وزرا مخصوصاً گفتگو و مباحثه از استخدام مستخدمین خارجی و استعانت از دول خارجی کرده بودیم و هیئت دولت و شخص رئیس‌الوزراء صریحاً به ما امر دادند که در پاریس درصدد حصول این مقصود بر آئیم و مخصوصاً گفتگو شد از این که مستخدمین مالی و صاحب‌منصبان نظامی را که اهم مستخدمین هستند باید از فرانسه و آمریکا استخدام کنیم و فقط تردید بود از این که آیا مستشار مالی از آمریکا و صاحب‌منصب از فرانسه باشد یا برعکس. تمایل آقایان رئیس‌الوزراء و هیئت دولت این بود که مستشار مالی از فرانسه و صاحب‌منصب از آمریکا باشد ولی تصمیم قطعی را موکول به مکالمات در پاریس نمودند و گفتند آنجا بهتر معلوم خواهد شد که کدام قسم اقتضا دارد .... در پاریس تکلیف خود دانستیم که قبلاً با آمریکائی‌ها و فرانسوی‌ها داخل مذاکره شده عقیده آنها را بفهمیم و کلیه نظر به این که هیئت دولت و ملت خودمان را مشتاق می‌دانستیم که روابط را با آمریکا محکم کنند بنای دوستی و مصلحت‌جویی را با آنها گذاشتیم. علی‌قلی‌خان ضرابی (نیل‌الدوله) شارژ‌دافر ما در آمریکا که به پاریس آمده بود نظر به ارتباطی که با آمریکائی‌ها داشت يك مهمانی کرده، وزیر امور خارجه آمریکا و اکثر رجال مهمی را که از آمریکا به فرانسه آمده بودند دعوت نمود . وزیر امور خارجه آمریکا در آن مهمانی نطق بسیار خوبی کرده و در حقیقت وعده صحیح مساعدت رئیس‌جمهوری ( پرزیدنت ویلسن ) و دولت آمریکا را به ما داد و تمام آمریکائی‌هایی که با آنها ملاقات‌های خصوصی کردیم همین‌طور به ما قوت قلب دادند و اظهار مساعدت نمودند و کیف ما كوچك شده بود که يك مرتبه از آقای رئیس‌الوزراء (و ثوق‌الدوله) تلگرافی رسید که بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی نکنید و مملکت را به مخاطره نیندازید و ما را به





مرحوم ذکاء الملک (محمد علی فروغی)  
از بزرگترین سیاستمداران ایران در قرن بیستم

مشکلاتی نظیر آنچه در واقعه شوشتر پیش آمد مبتلا نسازید (۱).

دست و دل ما سرد شد. سر جای خود نشستیم و منتظر دستور العمل شدیم... به طهران مراجعه کردیم که شما چه مذاکرات با انگلیسی‌ها می‌کنید ما را مطلع کنید و در هر صورت هیئت نمایندگی ایران در پاریس و هیئت دولت در طهران باید با موافقت یکدیگر کار کنند. جوابی نرسید. و حاصل کلام این که امروز که شش ماه می‌گذرد که ما از طهران بیرون آمده و قریب پنج ماه است در پاریس هستیم به کلی از اوضاع مملکت و پلٹیک دولت، و مذاکراتی که با انگلیس کرده‌اند و می‌کنند و نتیجه‌ای که می‌خواهند بگیرند و مسلکی که در امور خارجه دارند بی‌اطلاع هستیم....

چیزی که از تلگرافات جراید و اطلاعات حاصله از وزارت امور خارجه پاریس و حرف‌های انگلیسی‌ها و غیره استنباط کرده‌ایم این است که انگلیسی‌ها اوضاع طهران را مساعد و مغتنم شمرده‌اند که ترتیباتی داده شود که مملکت ایران از حیث امور سیاسی و اقتصادی زیر دست خودشان باشد. چون اوضاع دنیا و هیاهوهای ما در پاریس طوری پیش آورده که صریحاً نمی‌توانند بگویند ایران را به ما واگذار کنید، می‌خواهند ایرانی‌ها را وادار کنند که خودشان امور خود را به آنها واگذار کنند و امیدوار هستند که این مقصود در تهران انجام بگیرد و چون وجود ما در پاریس مخل این مقصود است سعی دارند قبل از آن که ما بتوانیم کاری بکنیم و نتیجه بگیریم آنها به مقصود نایل شده باشند. دولت ایران هم یا به کلی تمکین می‌کند و تسلیم است یا می‌ترسد اقدامی بکند و خود را در عالم بی‌تکلیفی نگاهداشته و خودش هم نمی‌داند چه بگوید.... (۲).

نوشته مرحوم فروغی جای تردید باقی نمی‌گذارد که :

۱- آمریکائی‌ها حقیقتاً مایل بودند به ایران کمک‌های مالی و فکری و فنی برسانند و ادعای وزیر مختار آن‌ها در طهران حرف بی‌اساس نبود.

۲- وثوق الدوله مذاکرات محرمانه خود را در طهران با سرپرسی کاکس نه تنها از ملت ایران بلکه از هیئت نمایندگی ایران در ورسای نیز مخفی نگاه داشته بود.

دولت‌آبادی در خاطرات خود می‌نویسد : «... وثوق الدوله تا روزی که امضای قرارداد اعلام شد نگذاشت کسی، غیر از دوسه تن از همکاران نزدیکش، از این قضیه باخبر گردد و مخصوصاً قسمت استقرار آن را به کلی مستور نگاهداشت و فقط بعد از منتشر شدن متن قرارداد، قسمت مربوط به وام را هم فاش کرد...» (۳).

۱- لرد کرزن که از نزدیک‌شدن ایرانیان به آمریکا فوق‌العاده ناراحت و وحشت‌زده بود و نقشه تحت‌الحمایه کردن ایران را (با تمام منابع ثروت زیرزمینی‌اش) در خطر می‌دید به وسیله سرپرسی کاکس وثوق الدوله را وادار کرد که این تلگراف را به پاریس مخابره کند و اعضای هیئت نمایندگی ایران را در کنفرانس ورسای مرعوب و دلسرد سازد.

۲- مقالات فروغی (انتشارات یغما) - جلد اول - صفحات ۶۷ - ۶۴.

۳- حیات یحیی - جلد چهارم - ص ۱۲۴.